

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیااده‌سازی

شکر بر بلا، آموزه‌ای از زیارت عاشورا (۱)

درسجده‌ی زیارت عاشورا خدا را این‌گونه حمد می‌کنیم: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَي مُصَابِهِمْ؛ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَي عَظِيمِ رَزِيَّتِي». در مقام شکر، یک‌وقت انسان بر نعمت شکر می‌کند؛ و شکر نعمت را به‌جا آوردن بسیار بزرگ است. قرآن فرمود: «وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشُّكُورُ»؛ از بین بندگان من، قلیلی شکور هستند. البته قبلاً اشاره کرده‌ایم که بین متشکر، شاکر و شکور فرق است. متشکر کسی است که به زحمت خود را به سپاسگزاری وامی‌دارد، شاکر کسی است که به راحتی شکرگزاری می‌کند، شکور کسی است که شکر از باطنش سر می‌زند و مقامی که شخص حقیقت شکر شود، مقام چهارم شکر است. قرآن فرمود: «وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشُّكُورُ»؛ از بندگان من، قلیلی شکور هستند. البته نه تنها تعداد کسانی که شکور هستند کم است، بلکه تعداد شاکران هم کم است. اینکه کسی شاکر نعم الهی باشد هم کم پیدا می‌شود.

همانطور که می‌دانید، شکر بر دو نوع است؛ یکی شکر نعمت و دیگری شکر مُنعم. شکر نعمت، درک ارزش نعمت است؛ یعنی اگر انسان بفهمد که آنچه خدا نصیبش کرده است، چقدر ارزشمند است؛ شکر آن نعمت به‌جا آمده است. شکر نعمت یعنی اینکه انسان ارزش داده‌های خدا را بشناسد. بسیاری از اوقات انسان از ارزش آنچه نصیبش شده است، غافل است؛ حال، چه نعم ظاهری و چه نعم باطنی، چه نعم مادی و چه نعم معنوی، چه نعم دنیوی و چه نعم اخروی. چرا غافل می‌شود؟ یا به‌خاطر اینکه مفت به او داده‌اند و هیچ زحمتی برای به‌دست آوردن آن نکشیده است. وقتی چیزی را به‌رایگان به

۱. سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۱۳.

کسی بدهند، چندان قدرش را نمی‌شناسد. خدا هم نعمت‌هایش را رایگان و بی‌منت به ما داده است و چون رایگان و بی‌منت داده است، از قدر عطا‌های خدا غافل می‌شویم. لذا علت غفلت از نعمت، گاهی این امر است؛ و گاهی هم دوام نعمت است. اگر انسان چیزی را برای مدت زیادی در اختیار داشته باشد، کم‌کم دیگر به آن توجه نخواهد داشت؛ دیگر به چشمش نمی‌آید. وقتی به انسان چیزی را می‌دهند که ندارد، خیلی به چشمش می‌آید؛ اما وقتی چیزی را از روز اول به او داده‌اند و همیشه داشته است، چون همیشه داشته است، آن را نمی‌بیند. نعم الهی چقدر عظیم است؟ هرکدام از اینها را اگر لحظه‌ای از ما سلب کند؛ حتی نعم دنیوی را؛ همین دنیایی که فرمود: دنیا کوچک است؛ فرمود: «مَتَاعٌ قَلِيلٌ»^۲؛ اگر یکی از نعمی که در همین متاع قلیل به ما داده است را از ما بگیرد، آن وقت ارزشش را می‌فهمیم. مثلاً نعمت سلامتی را اگر خدای ناکرده از ما بگیرد، آن وقت است که می‌فهمیم این سلامتی که ما داریم و اصلاً هم احساس نمی‌کنیم، چقدر ارزشمند است. هرکدام از نعم ظاهری و دنیوی را که در نظر بگیرید، همین‌گونه است؛ چه رسد به نعم معنوی و نعم باطنی؛ چون قرآن هم از نعم ظاهری سخن گفته است و هم از نعم باطنی. آن نعم باطنی که خدا به ما داده، به‌رایگان داده است و پیوسته نیز از آنها برخوردار بوده‌ایم. نعمت ولایت که اعظم نعم الهی است، به همین دلیل که به‌رایگان نصیب ما شده است و از بدو تولّد که چشم به این عالم باز کردیم، در خانواده‌ای اهل ولایت بوده‌ایم و این نعمت، پیوسته همراه ما بوده است، بعضاً از عظمت آن غافلیم.

علی‌ای‌حال، «شُكْرُ النَّعْمِ ذِكْرُ النَّعْمِ»: شکر نعمت، درک ارزشمندی آن نعمت است. همین که انسان فهمید چیزی که به او عطا شده است، چقدر گرانبهاست، حقیقت شکر آن نعمت به‌جا آورده شده است. اینکه شخص به زبان هم اظهار کند که متشکّر؛ چه چیز گرانبهایی به من عطا کردی؛ ابراز شکر است. حقیقت شکر، همان معرفت به ارزش عطیه‌ای است که نصیب انسان شده است. «و شُكْرُ الْمُنْعِمِ ذِكْرُ الْمُنْعِمِ»: شکر منعم و نعمت‌دهنده، درک این حقیقت است که چه کسی این نعمت را به

۲. سوره‌ی آل‌عمران، آیه ی ۱۹۷.

من داد. چون همانطور که می‌دانید، ممکن است شیء واحدی را افراد متعددی با مراتب مختلفی از عظمت به انسان بدهند و همان شیء واحد در هر مرتبه‌ای تأثیر متفاوتی بر انسان داشته باشد. یک خودکار ساده را یک‌وقت یک رفیق و همکلاسی به انسان می‌دهد. این یک معنا دارد؛ اما یک‌وقت معلم انسان به او می‌دهد. در این صورت، ارزش آن برای او فرق می‌کند. حال، این حقیقت را در پلکان هستی بالا و بالاتر ببرید. هرچه دهنده‌ی نعمت عظیم‌القدرتر باشد، ارزش آن نعمت بزرگتر است. بنابراین شکر منعم، درک منعم است؛ این است که بفهمیم کسی که این نعمت‌ها را نصیب ما کرده است، خودش چقدر نازنین است؛ چقدر عظیم است؛ چقدر بزرگ است.

اینها که گفتیم، درباره‌ی شکر نعمت بود. ما غالباً نعمت را در برخورداری‌ها می‌دانیم، نه در محرومیت‌ها؛ نعمت را در رفاه می‌دانیم، نه در سختی. لذا آنهایی هم که اهل شکرند، اغلب زمانی تشکر می‌کنند که توجه می‌کنند که مثلاً چه آسایشی نصیبمان شده است! خدایا ممنونت هستیم؛ چه روزی‌یی به ما دادی! خدایا ممنونت هستیم. تشکرها در برخورداری‌ها انجام می‌شود؛ اما نکته‌ی بزرگی که زیارت عاشورا به ما یاد می‌دهد و ما آن را در لحظه لحظه‌ی حادثه‌ی عاشورا از زبان اباعبدالله علیه السلام و از زبان اولاد و اصحاب اباعبدالله علیه السلام می‌شنویم، این است که انسان حمد خدا را در بلایا بکند. این نکته‌ی بزرگی است. این یک درس بزرگ است و فقط صحنه‌ی عاشورا می‌تواند این درس را به انسان تفهیم کند؛ این درس را که انسان در بلایا شاکر شود. در نهج‌البلاغه، امیرالمؤمنین علیه السلام در چند جا بیان می‌کنند که ما خدا را در عطایایش حمد می‌کنیم، همان‌گونه که در بلاهایش او را حمد می‌کنیم.^۳ اینکه انسان در دستگاه خدا بلایا را هم خریدار باشد و فقط آسایش و راحتی را طالب نباشد؛ و این مقام، مقام بلندی است. در زیارت عاشورا این مقام را ابراز می‌کنیم؛ از اول زیارت عاشورا، زائر خودش را همراه اباعبدالله علیه السلام ابتدا از جبهه‌ی مقابل جدا می‌کند. چون همانطور که می‌دانید، زیارت عاشورا جلوه‌گاه بزرگ تبری و لعن است و مقام تبری و لعن، مقام جدا کردن خود از صف

۳. شریف رضی، نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۱۴.

پلیدی‌هاست. در زیارت عاشورا، انسان خود را از آن جبهه جدا و به اباعبدالله‌الحسین علیه السلام ملحق می‌کند؛ و به همین دلیل است که در پایان زیارت عاشورا به مقامی می‌رسد که سر به سجده‌ی شکر بگذارد و عرضه بدارد: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَىٰ مُصَابِهِمْ». عزیزترین کسش را به شهادت رسانده‌اند؛ عزیزتر از ولیّ خدا کیست؟ عزیزتر از اباعبدالله چیست؟ این حادثه برایش رخ داده؛ اما سر به سجده گذاشته است که: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ عَظِيمِ رِزْيَتِي»: من در قبال این مصیبت عظیمی که بر من وارد شده است، خدا را سپاس می‌گزارم.

ان‌شاءالله این درس را بیاموزیم. این درس بزرگ عاشورا است که در رزایا و در مصائب هم اهل شکرگزاری باشیم، همانگونه که در عطایا و مواهب اهل شکرگزاری هستیم. شاکر بودن در عطایا و مواهب مقام چندان بزرگی نیست؛ اگر انسان در مصائب و بلا یا شاکر باشد، هنر است. نمونه‌اش را هم دیدید. وقتی اباعبدالله‌الحسین علیه السلام از مرکب بر زمین افتادند، در گودی قتلگاه سر به سجده‌ی شکر گذاشتند. اباعبدالله‌ای که عزیزترین عزیزانش را از دست داده؛ علی‌اکبرش را، علی‌اصغرش را، قاسم بن‌الحسن را؛ همه عزیزانش را از دست داده است؛ حتی علی‌اصغر شش‌ماهه هم با آن وضع تکان‌دهنده به شهادت رسیده است؛ اما در آخرین لحظه سر به سجده‌ی شکر می‌گذارد. ان‌شاءالله خدای متعال به ما این معرفت را عنایت کند که اهل شکر در مصائب باشیم و بدانیم که در مصائب عنایاتی نهفته است که در مواهب و عطایا نیست؛ لذا بزرگ‌ترین مصائب نصیب بزرگ‌ترین اولیاء خدا می‌شود. چقدر حدیث داریم که اهل بیت علیهم السلام فرمودند: بزرگ‌ترین بلا یا از آن بزرگ‌ترین اولیاء است؟ هرچه مرتبه‌ی انسان بلندتر، بلا یا برای او بزرگتر؛ «الْبَلَاءُ لِلْوَلَاءِ»: بلا از آن دوستان و محبتان خداست؛ از آن اولیاء خداست.

هر که در این بزم مقربتر است جام بلا بیشترش می‌دهند

ان‌شاءالله خدا به ما عنایت کند یکی از درس‌هایی که از مکتب عاشورا می‌آموزیم، این باشد که بلایی را که از جانب محبوب فرستاده شده است، پذیرا و خریدار باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ